



اساسنامہ سازمان تی جی سی

فارسی

ما جمعی از کلیساهای انجیلی هستیم که با هم مشارکت داریم، و عمیقاً متعهد شده‌ایم تا ایمانمان را در انجیل مسیح جانی دوباره بخشیم، و خدمت‌مان را به گونه‌ای ساماندهی کنیم که کاملاً با کتاب مقدس هم‌نوا باشد. شماری از جنبشها در میان کلیساهای انجیلی ما را عمیقاً نگران کرده است. به نظرمی رسد این جنبشها پویایی و جنب و جوش کلیسا را از رونق می‌اندازند، و ما را از اعتقادات و آداب و رسوم کهن کلیسا دور می‌کنند. ما آشفته می‌گردیم از اینکه شاهدیم ایمان صرفاً در این خلاصه می‌شود که مردم فقط مصرف‌کننده شخصی باشند، یا به ایمان رنگ و بوی سیاسی دهند. این بت‌پرستی دل ما را به درد می‌آورد. ما پریشان‌خاطرمی‌گردیم از الهیات سازشگرانه، و از تفکری که معتقد است معیار مطلق برای اخلاقیات وجود ندارد. این جنبشها باعث شده‌اند که حقیقت کتاب مقدسی، و زندگیهای تبدیل شده که ایمان ما از دیرباز به آن حکم می‌کند، نادیده گرفته شوند. نفوذ این جنبشها نه تنها به گوش ما می‌رسد، بلکه اثرات آن را هم به چشم می‌بینیم. ما خود را متعهد کرده‌ایم تا با امیدی تازه، و شادی که نمی‌توان جلودار آن بود، به کلیسای قوت و جنب و جوش بخشیم. اساس این شادی وعده‌هایی است که فقط با فیض، و فقط از طریق ایمان مطلق به مسیح امکان پذیر است.

ما باور داریم که در بسیاری از کلیساهای انجیلی درباره حقایق انجیل، توافقی عمیق و وسیع وجود دارد. با این حال، اغلب شاهد هستیم که شادی اتحاد ما با مسیح جای خود را به جاذبه‌های دیرینه قدرت و ثروت و جاه و مقام داده است، و یا با بازگشت به آیین و تشریفات و سنتهای مذهبی تعویض شده است. آنچه جای انجیل را بگیرد، هیچ‌گاه به ترویج ایمانی که برای بشارت دادن شور و اشتیاق دارد، کمک نمی‌کند. چنین ایمانی در حقیقت ماندگار قائم است، خودش را در عمل، در شاگردسازی نشان می‌دهد، از این شاگردسازی خجل نیست، با شور و شوق به فداکاری، و به هر خدمتی تن می‌دهد که به پیشبرد ملکوت خدا یاری می‌رساند. ما مشتاقیم در شاهراه پادشاه پیش رویم، و همواره هدفمان این است که پرچمدار انجیل باشیم، تشویق کنیم و تعلیم دهیم تا این نسل، و نسل آینده رهبران کلیسا مجهزتر شوند، و با اصول و قواعد و عملکردهایی که آن منجی را جلال می‌دهد، خدمتشان را شعله‌ور کنند برای سعادت و خیرت کسانی که آن منجی خوش را برای آنها ریخت.

ما می‌خواهیم همگان را به تلاش و تکاپو واداریم تا برای حرمت نهادن به مسیح، و افزایش تعداد شاگردانش غیرت داشته باشند، و به محفلی واقعی بپیوندند که عیسی حرف اصلی آن محفل باشد. چنین خدمت یکپارچه که بر کتاب مقدس بنیان شده، تنها آینده‌مانا و پایدار برای کلیسا است. این واقعیت ما را وامی‌دارد در کنار کسانی بایستیم که این اعتقاد را سخ که رحمت خدا در عیسی مسیح تنها امید رستگاری ابدی است، در دلشان غوغا به پا کرده است. ما مشتاقیم با شفافیت، دلسوزی، شهامت و شادی، پرچمدار این انجیل باشیم، و با وجد و شادمانی دل‌های ایمانداران را از هر قوم و نژاد و هر سطح و طبقه اجتماعی، و با هر باوری که در چارچوب ایمان مسیحی به آن معتقدند، به هم پیوند دهیم.

اشتیاق ما این است کلیسایی را که دوستش می‌داریم، خدمت کنیم. خواست دل ما این است که از همه برادران و خواهران دعوت کنیم به ما بپیوندند تا کلیسای این زمانه را در ریشه‌های انجیل دیرینه مسیح جانی دوباره بخشیم، و به واقع به گونه‌ای

برای او زیست نماییم و سخنگویش باشیم که بتوانیم پیغام انجیلش را به صراحت و روشنی به مردمان زمانه مان منتقل نماییم. ما شبانان قصد داریم این مهم را به وسیلهٔ عاملان فیض خدا در کلیساهایمان به جا آوریم؛ یعنی به وسیلهٔ دعا، خدمت کلام خدا، تعمید در آب، عشای ربّانی، و مشارکت مقدسان. آرزوی ما همکاری با همهٔ کسانی است که با ما عقیده و دیدگاه و رویای مشترک دارند، و می خواهند مسیح سرور و آقای کل زندگی شان باشد، و امید محکمشان این است که به قدرت روح القدس انسانها، جوامع، و فرهنگها متحول شوند. در ادامه هم با اعتقادنامهٔ ما آشنا خواهید شد، و هم با دیدگاه الهیاتی مان برای خدمت روحانی؛ دیدگاهی که در کتاب مقدس ریشه دارد، و انجیل محور است.

۱. خدای تثلیث

ما باور داریم که خدا واحد است، و از ازل در سه شخص که الوهیتشان با هم برابر است، ساکن بوده است: پدر، پسر، و روح القدس. این سه شخص یکدیگر را می‌شناسند، یکدیگر را دوست دارند، و یکدیگر را جلال می‌دهند. این خدای زنده و حقیقی هم در محبت و هم در قدوسیتش بی‌نهایت کامل است. او خالق همه چیز است، دیدنی و نادیدنی. از این رو، تمام جلال و ستایش برآزنده او است. او که نامیرا و جاوید است، انتها را از ابتدا تمام و کمال می‌داند، عامل بقا و نگهدار همه چیز است، و در حاکمیت خویش بر همه چیز حکمرانی می‌نماید؛ و در تدبیر و مشیت الهی اش اهداف نیکو و ابدی اش را به انجام می‌رساند تا قومی را برای خودش بازخیرد کند، و خلقت سقوط کرده اش را بازسازی نماید برای ستایش فیض پرجلالش.

۲. مکاشفه

خدا وجود و قدرت خویش را به سخاوتمندی در خلقتش آشکار نمود. او در نهایت، در پسرش؛ آن کلمه مجسم، خود را به عالی‌ترین شکل به انسان سقوط کرده مکشوف ساخت. این خدا خدای سخنگواست، و با قدرت روح خود، سخاوتمندانه خویشتن را به زبانی قابل درک برای انسان مکشوف نموده است: ما باور داریم که خدا کلام مکتوب در کتاب مقدس را الهام بخشیده است. در شصت و شش کتاب عهد عتیق و عهد جدید، کار نجاتبخش خدا در جهان ثبت شده، و وسیله این نجات یافتن نیز مکتوب گشته است. این مکتوبات که منظور خود را از طریق واژگان بیان می‌کنند، یگانه کلام الهام شده خدا هستند؛ و دستنوشته‌های اولیه شان عاری از خطا، و کاملاً معتبر و موثق می‌باشند. این کلام مکتوب، اراده خدا را برای نجات و رستگاری به طور کامل مکشوف می‌سازد. این کلام مکتوب برای هر آنچه خدا از ما می‌طلبد که باور نماییم و به انجام برسانیم، کافی و بسنده است. این کلام مکتوب به سبب اقتدارش بر جمیع دانشها و بینشها، حرف آخر را می‌زند. ما اعتراف می‌کنیم که فانی و گناهکار بودن ما این امکان را از ما سلب می‌کند که حقیقت خدا را جامع و کامل درک نماییم. اما بر این مهم مهر تأیید می‌زنیم که وقتی روح خدا به ما روشنگری می‌بخشد، می‌توانیم حقیقت مکشوف خدا را به درستی درک نماییم. کتاب مقدس را باید باور کرد چون هر آنچه تعلیم می‌دهد، آموزه‌ها و رهنمودهای خدا است. از کتاب مقدس باید اطاعت کرد چون همه مطالباتش حکم و فرمان خدا است. به کتاب مقدس باید اعتماد کرد، چون همه وعده‌هایش قول و وعده خدا است. قوم خدا کلام خدا را می‌شنوند، باورش می‌کنند، و آن را به جا می‌آورند؛ ایشان که شاگردان مسیح هستند، مجهز می‌گردند، و به انجیل شهادت می‌دهند.

۳. خلقت انسان

ما باور داریم که خدا انسان را آفرید؛ او ایشان را به تصویر خودش، مرد و زن آفرید. آدم و حوا جزیی از آن خلقتی بودند که خدا خودش اعلام نمود که بسیار نیکو بود. آدم و حوا آفریده شدند تا در مقام معاونان خدا خدمت کنند، بر خلقت حکمرانی نمایند، آن را مدیریت کنند، و از آن نگهداری و مراقبت نمایند. آدم و حوا آفریده شدند تا در مشارکت تمام عیار با خالقشان،

در قدوسیت و پاکی زندگی کنند. مرد و زن هر دو به یکسان در تصویر خدا آفریده شدند. ایشان به واسطه ایمان به مسیح عیسی، به یکسان به حضور خدا دسترسی دارند، و هر دو خوانده شده‌اند تا از خودکامگی و لذت‌جویی پا را فراتر نهاده، در خانواده و کلیسا و جامعه، و در زندگی فردی و اجتماعی نقش خود را ایفا نمایند. آدم و حوا آفریده شدند تا با یک‌تن شدن، یکدیگر را تکمیل نمایند. این پیوند و یگانگی در یک‌تن، تنها الگوی طبیعی در رابطه زناشویی میان زن و مرد است. این الگو در نهایت در پیوند ازدواج خود را نمایان می‌سازد، که همانا نماد اتحاد میان مسیح و کلیسایش می‌باشد. بنا بر اهداف حکیمانه خدا، جایگاه و نقش زن و مرد قابل تعویض نمی‌باشد، بلکه متقابلاً به طریقه‌های مختلف یکدیگر را تکمیل می‌نمایند. خدا چنین مقرر نموده که مرد و زن نقش‌های مجزا را به عهده بگیرند. این نقش‌های متفاوت، رابطه سرشار از محبت میان مسیح و کلیسا را بازتاب می‌دهد. شوهر به شکلی سرپرستی خانواده را عهده‌دار است که جلوه‌گر محبت فداکارانه و تیماردارانه مسیح باشد. زن نیز به شکلی مطیع شوهرش است که الگوی محبت کلیسا برای خداوندش باشد. در خدمت کلیسا، هم مردان و هم زنان تشویق می‌شوند تا خادم مسیح باشند، و با تمام قوایشان به شکل‌های مختلف قوم خدا را نیز خدمت نمایند. اما وظیفه رهبری کلیسا به طور مشخص به مردان واجد شرایط سپرده شده است. این خدمت رهبری کلیسا در خلقت، سقوط و رستگاری انسان ریشه دارد. در نتیجه، این خدمت نباید دستخوش تغییر و تحول فرهنگ جامعه باشد، و نباید الزاماً خود را با فرهنگ سازگار سازد.

۴. سقوط انسان

ما باور داریم آدم در تصویر خدا آفریده شد، اما آن تصویر را معیوب نمود، و به سبب وسوسه شیطان در گناه سقوط کرد، و خود و نسل خود را از برکاتی که در ابتدای خلقت از آنها برخوردار بود، محروم نمود. در نتیجه، اکنون کل نژاد بشر با خدا غریبه هستند، و در هر جنبه از وجودشان دچار فساد و تباهی می‌باشند (جسمی، روحی، ارادی، عاطفی، روحانی). اگر خدا در رحمت خود پا در میانی نکند، انسان در نهایت بی‌چون و چرا محکوم به مرگ می‌باشد. نیاز اصلی همه انسانها این است که با خدایی مصالحه نمایند که اکنون جملگی زیر غضب قدوس و عادلانه‌اش قرار دارند. تنها امید همه انسانها این است که محبت خدا شامل حالشان گردد، محبتی که هیچ‌کس هرگز لایقش نمی‌باشد. تنها خدا است که می‌تواند ما را نجات بخشد، و ما را دوباره به حضور خویش بازگرداند.

۵. نقشه خدا

ما باور داریم که خدا از ازل در فیض خویش مقرر نمود تا جمعیتی عظیم از گناهکاران مجرم را از هر زبان و قوم و قبیله و ملت نجات بخشد. او به این منظور، ایشان را از پیش شناخت، و از پیش برگزید. ما باور داریم خدا آنانی را که محض فیض به عیسی ایمان می‌آورند، عادل می‌شمارد و تقدیس می‌نماید؛ و یک روز نیز ایشان را جلال خواهد داد؛ و این همه را برای ستایش فیض پر جلالش به انجام خواهد رساند. خدا در محبت خویش به همه مردمان حکم می‌نماید، و به آنها التماس می‌کند که توبه کنند و ایمان بیاورند. خدا چتر محبت نجاتبخش خود را بر آنانی گسترده که ایشان را برگزیده و مقرر نموده تا مسیح منجی‌شان باشد.

۶. انجیل

ما باور داریم که انجیل، مژده عیسی مسیح است که همانا خودش حکمت خدا می‌باشد. اگرچه انجیل قدرت خدا است برای نجات یافتگان، اما در چشم جهان حماقت محض است. این خبر خوش، از شناخت مسیح سخن می‌گوید، صلیب محور است، و برستاخیز مسیح متمرکز می‌باشد: اگر مسیح موعظه نشود، موعظه انجیل معنا ندارد؛ و اگر مرگ و رستاخیز مسیح موضوع اصلی نباشد، یعنی مسیح اصیل و واقعی موعظه نمی‌شود (پیغام انجیل این است که مسیح برای گناهان ما جان داد . . . [و] از مردگان برخاست). این خبر خوش بر مبنای کتاب مقدس است (مرگ و رستاخیز مسیح مطابق با کلام خدا است). این خبر خوش، یک آموزه الهیاتی است، و موجب آرزو و رستگاری می‌باشد (مسیح برای گناهان ما جان داد تا ما را با خدا آشتی دهد). این خبر خوش، تاریخی است (اگر آن رویدادهای نجاتبخش اتفاق نیفتادند، پس ایمان ما بی‌ارزش است، ما هنوز در گناهانمان به سر می‌بریم، و از همه انسانهای دیگر بدبخت‌تریم). این خبر خوش، اعتبار رسولان مسیح را بر خود دارد (پیغام انجیل به رسولان سپرده شد، و به وسیله ایشان که شاهدان آن رویدادهای نجاتبخش بودند، بشارت داده شد). این خبر خوش، کاملاً شخصی است (وقتی پیغام انجیل به اشخاص بشارت داده می‌شود، هر کسی شخصاً آن را می‌شنود، به آن ایمان می‌آورد، محکم به آن می‌چسبد، و رستگار می‌گردد).

۷. فدیة مسیح

ما باور داریم که پسر ابدي خدا به خاطر محبتی که به پدرش داشت، و به خاطر اطاعت از او انسان گشت: کلمه جسم گردید، خدای کامل و انسان کامل؛ یک شخص با دو ذات. نطفه عیسی آن ماسیح موعود اسرائیل به قدرت معجزه‌آسای روح القدس شکل گرفت، و از مریم باکره تولد یافت. او تمام و کمال مطیع پدر آسمانی‌اش بود، بدون گناه زندگی کرد، آیات و معجزات به انجام رساند، به حکم پنطیس پیلطس مصلوب گشت، روز سوم با پیکر جسمانی از مردگان برخاست، و به آسمان صعود نمود. او که پادشاه و میانجی است، در دست راست خدای پدر نشسته، و تمامی اقتدار و حاکمیت خدا در آسمان و بر زمین از آن او است. او کاهن اعظم ما و شفیع عادل ما است. ما باور داریم که عیسی مسیح با جسم پوشیدن، زندگی، مرگ، رستاخیز، و صعودش نماینده و جانشین ما گشت. عیسی چنین کرد تا ما در او عدالت خدا گردیم: او بر روی صلیب گناه را از میان برداشت، غضب خدا را فرونشاند، و با برپرداخت کامل جریمه گناهان ما، همه ایمانداران را با خدا آشتی داد. حقانیت مسیح عیسی با رستاخیزش از جانب پدر به اثبات رسید. او قدرت مرگ را در هم شکست، و شیطان را که قبلاً بر مرگ قدرت داشت، مغلوب نمود، و حیات جاودانی را برای جمیع قومش به ارمغان آورد. عیسی با صعودش به آسمان در مقام خداوند برای همیشه سرفراز گشته، و مکانی را برای ما مهیا نموده که تا ابد با او باشیم. ما باور داریم که در هیچ‌کس دیگری رستگاری وجود ندارد، زیرا نام دیگری زیر آسمان داده نشده که بدان نجات یابیم. چون خدا حقیران این جهان را برگزید، چون مطرودان را برگزید، چون کسانی را برگزید که هیچ به حساب می‌آمدند (تا آنهایی که خود را کسی به حساب می‌آورند از اعتبار بیندازد)، پس هیچ انسانی نمی‌تواند هرگز در حضور خدا فخر بفروشد. مسیح عیسی برای ما حکمت خدا گشت؛ یعنی عدالت ما، قدوسیت ما، و فدیة ما.

۸. عادل شمردگی گناهکاران

ما باور داریم که مسیح با اطاعت و مرگش بدهی جمیع عادل شمرده شدگان را به طور کامل پرداخت نمود. او با قربانی شدنش مجازاتی را که به خاطر گناهانمان از آن ما بود، از جانب ما بردوش گرفت، و عدالت خدا را به نیابت از ما کاملاً، واقعاً، و به مناسبترین شکل اجرا نمود. او به نیابت از ما مطالبات منصفانه خدا را با اطاعت کاملش برآورده ساخت، چرا که آن اطاعت کامل فقط به وسیله ایمان به حساب همه کسانی گذاشته می شود که برای پذیرفته شدن به حضور خدا فقط و فقط به مسیح توکل می کنند. چون پدر مسیح را برای ما فدا کرد، و مسیح به جای ما اطاعت کرد و مجازات شد، و اطاعت و مجازاتش به حساب ما گذاشته شد، و این فداکاری برای ما بهایی نداشت و به خاطر لیاقت و شایستگی ما نبود، در نتیجه این عادل شمردگی کاملاً فیض رایگان است. این همه محض فیض است تا عدالت بی چون و چرای خدا و فیض دولتمندش در عادل شمرده شدن گناهکاران جلال یابد. ما باور داریم که غیرت برای اطاعت شخصی، و اطاعت دسته جمعی ما در کلیسا از این عادل شمردگی رایگان سرچشمه می گیرد.

۹. قدرت روح القدس

ما باور داریم این نجات که سراسر کتاب مقدس به آن شهادت می دهد، و به وسیله عیسی مسیح تضمین گشته است، به قدرت روح القدس شامل حال قوم خدا می گردد. روح القدس که از جانب پدر و پسر فرستاده شد، خداوند عیسی مسیح را جلال می دهد؛ و در مقام آن شفیع و تسلی دهنده دیگر، در ایمانداران، و با ایمانداران خواهد بود. روح القدس جهان را به گناه و عدالت و داوری ملزم می کند، و با کار قدرتمند و معجزه آسای خود، گناهکاران مرده را به لحاظ روحانی تولد دوباره می بخشد، آنها را بیدار می کند تا توبه کنند و ایمان آورند. گناهکاران در روح القدس تعمید می یابند، و با خداوند عیسی متحد می گردند، به گونه ای که فقط با فیض و فقط از طریق ایمان مطلق به عیسی مسیح در حضور خدا عادل شمرده می شوند. ایمانداران با معاونت روح القدس دوباره جان می گیرند، تقدیس می شوند، و جزو خانواده الهی می گردند. ایشان شریک ذات الهی شده، و با حاکمیت خدا از عطایای روحانی بهره مند می گردند. روح القدس بیعانه آن میراث موعود است. روح القدس در عصر حاضر در ایمانداران ساکن می باشد، ایشان را هدایت و راهنمایی و مجهز نموده، آنها را بیداری روحانی و قوت می بخشد تا به شباهت مسیح زندگی کنند و خدمت نمایند.

۱۰. ملکوت خدا

ما ایمان داریم آنانی که به فیض خدا و از طریق ایمان به مسیح و اتحاد با او، و به واسطه تولد تازه یافتن به قوت روح القدس نجات یافته اند، به ملکوت خدا داخل می شوند، و در برکات این عهد تازه مسرور خواهند بود: آمرزش گناهان، تبدیل و تحول درونی که در ایشان شور و اشتیاقی ایجاد می کند تا خدا را جلال دهند، به او توکل کنند، از او اطاعت نمایند، و چشم انتظار آن جلالی باشند که در آینده مکشوف خواهد شد. اعمال نیک، گواه حتمی و قطعی این فیض نجاتبخش می باشد. ایمانداران که نمک جهان در حال زوال، و نور جهان غرق در ظلمتند، نباید گوشه عزلت گزینند، و نباید با دنیا یکی گردند. ما باید برای رفاه و آسایش شهرمان بکوشیم، چرا که همه افتخارات امتهای باید به خدا تقدیم شوند. چون شهروندان ملکوت خدا هستیم،

با درک اینکه این خلقت و نظمش از آن کیست، باید همسایه‌مان را مثل خودمان دوست بداریم، و به همه نیکویی ورزیم، به ویژه به کسانی که جزو خانواده الهی می‌باشند. ملکوت خدا در حال حاضر برقرار است، اما هنوز کاملاً مکشوف نگشته است. خدا در حاکمیتش این جهان را اداره می‌کند تا سرانجام کل خلقتش را نجات بخشد. ملکوت خدا با قدرتی شدید پیش می‌رود، و ملکوت ظلمانی شیطان را به یغما می‌برد. هنگامی که انسانها توبه کرده و ایمان می‌آورند، خدا ایشان را از آن ملکوت می‌رهاند، تولد دوباره می‌بخشد، و آنها را از نو بنا می‌سازد. به این ترتیب، جماعتی تازه از انسانها به وجود خواهد آمد که در اقتدار و حاکمیت خدا زیست می‌نمایند.

۱۱. قوم تازه خدا

ما باور داریم قوم خدا که با ایشان عهد تازه بسته، هم‌اکنون به اورشلیم آسمانی راه یافته، و هم‌اکنون با مسیح در جایهای آسمانی نشسته‌اند. کلیساهای محلی که مسیح یگانه سر و سرور آنها است، نمودار این کلیسای جهانی می‌باشند. بنابراین، هر جماعت محلی در واقع کلیسا، اهل بیت خدا، جماعت خدای زنده، و ستون و زیربنای حقیقت به حساب می‌آید. کلیسا بدن مسیح است، مردمک چشم او است، و بردستانش حک شده است. مسیح خود را تا ابد به کلیسا متعهد نموده است. این ویژگیها کلیسا را متمایز می‌سازند: پیغام انجیلش، آیین پاک و مقدسش، نظم و انضباط و تأدیب و توبیخش، مأموریت عظیمش، و بالاتر از همه، محبتش برای خدا، و محبت اعضایش به یکدیگر و به جهانیان. نکته بسیار مهم اینجا است که این انجیل که ما عزیز می‌داریمش، هم ابعاد شخصی دارد، و هم عمومی. بدیهی است که هیچ‌یک از این ابعاد را نباید نادیده گرفت. مسیح عیسی صلح و آرامش ما است: او نه تنها ما را با خدا صلح داد، بلکه انسانهای غریبه را نیز با هم آشنا نمود. هدف خدا این بود که انسانهای تازه‌ای را در خودش بیافریند که با او در صلح باشند، و در یک بدن هم یهودیان و هم غیریهودیان را با خدا آشتی دهد. او این دشمنی و خصومت را به واسطه صلیب از میان برداشت. وقتی اعضای کلیسا به جای تمرکز بر خویشتن، وقف خدمت به یکدیگر و همسایگانشان هستند، آن‌گاه کلیسا می‌تواند نماد جهان نوینی باشد که خدا در آینده بنا می‌سازد. کلیسا محل سکونت روح خدا در یک جماعت است، و همواره شاهد خدا در این جهان خواهد بود.

۱۲. تعمید در آب، و عشای ربّانی

ما باور داریم که خداوند عیسی شخصاً آیین تعمید در آب، و عشای ربّانی را بنا نهاد. تعمید در آب نشانه قدم نهادن به عهد جدید است، و عشای ربّانی تجدید این عهد به طور پیوسته است. این هر دو آیین، قول و عهد و پیمان خدا با ما است. این دو آیین که از جانب خدا مقرر شدند، از ابزارهای فیض می‌باشند. ما با به جای آوردن این دو آیین، در حضور همگان سوگند می‌خوریم که مطیع مسیح می‌باشیم که مصلوب گشت و از مردگان برخاست. ما در حضور همگان اعلام می‌کنیم که چشم‌انتظار بازگشت مسیح، و به فرجام رسیدن همه چیز می‌باشیم.

۱۳. بازسازی همه چیز

ما باور داریم که خداوندمان عیسی مسیح شخصاً با بدن جسمانی و پرجلال، همراه با فرشتگان مقدسش بازمی‌گردد تا داور نهایی همگان باشد، و ملکوتش را برقرار سازد. ما باور داریم که هم عادلان و هم شریران با پیکر جسمانی از مردگان قیام خواهند کرد: همان طور که خداوندمان تعلیم داد، شریران زنده می‌شوند تا داوری گردند، و در هشیاری کامل تا ابد در جهنم مجازات شوند؛ و عادلان در حضور آن تخت نشین و بزه، در آسمان جدید و زمین جدید که منزلگاه عدالت است، تا ابد برکت یابند. در آن روز، کلیسا به خاطر اطاعت و رنج و عذاب و پیروزی مسیح، در حضور خدا پاک و بی‌عیب حاضر خواهد بود. گناه معدوم خواهد شد، و تأثیرات مصیبت بارش برای همیشه از بین خواهد رفت. خدا کل در کل خواهد بود، و قومش شیفته‌ی قدوسیت و صف‌ناپذیر خدا گشته، و همه چیز برای ستایش فیض پرجلالش خواهد بود.

آنچه از نظر می‌گذرانید، اعتقادنامه الهیاتی ما نیست (به بخش اعتقادنامه الهیاتی مراجعه نمایید). در این بخش به این مهم می‌پردازیم که چگونه می‌توانیم با امین ماندن به کتاب مقدس و الهیاتی که به آن اعتقاد داریم، و با ارتباط متقابل با فرهنگ غالب بر جامعه، به خدمت روحانی بپردازیم.

یک) چگونه باید به بحران حقیقت که بر فرهنگ غالب است، پاسخ دهیم؟ (مبحث معرفت‌شناسی)

از آغاز دوران معروف به «عصر روشنگری» به مدت چند صد سال همه قاطعانه بر این باور بودند که حقیقت در واقع وجود دارد، و می‌توان به حقیقت دست یافت؛ یعنی حقیقتی که با کلمات بیان می‌گردد و به میزان زیادی با واقعیت همخوانی دارد. اعتقاد بر این بود که عقل انسان به تنهایی و بدون هیچ کمکی می‌تواند به حقیقت عینی دست یابد. اما این اواخر، مکتب پُست مدرنیسم با یک سری فرضیات چنین استدلال می‌کند که ما نمی‌توانیم به معنای واقع‌بینانه به معرفت برسیم، بلکه با توجه به تجربیات و علایق شخصی مان، احساساتمان، پیش‌داوری‌های فرهنگی، محدودیت‌های زبان، و روابط اجتماعی می‌توانیم حقیقت را تعبیر و تفسیر نماییم. به اعتقاد پُست مدرنیسم، ادعای شناخت حقیقت نشانه غرور و تکبر است، و قطعاً باعث جنگ و جدال میان جوامعی می‌گردد که در مورد حقیقت هم عقیده نیستند. بنا بر باور پُست مدرنیسم، باعث و بانی بسیاری از ناعدالتی‌ها و جنگ‌ها در این عصر جدید می‌تواند همین غرور و تکبر باشد. البته این ادعای پُست مدرن خطرناک است: این مکتب با جار و جنجال فریاد سر می‌دهد که به جای مدعی حقیقت بودن، می‌توان با فروتنی به سازش و مدارا تن داد، و به جای منحصراًگرایی می‌توان تکثرگرا بود. فلسفه تکثرگرایی معمولاً در باتلاقی گرفتار می‌شود که دیگر پایه و اساس محکم و استواری برای این حقیقت باقی نمی‌گذارد: «آن ایمانی که یک بار به مقدسان سپرده شد.» این طرز فکر که حقیقت با واقعیت همخوانی دارد، دیگر امروزه جایگاهی ندارد. امروزه حقیقت صرفاً بر اساس یک سری ذهنیات و فرضیات شکل می‌گیرد. حال ما به این بحران حقیقت که بر فرهنگمان حاکم است، چگونه پاسخ می‌دهیم؟

۱. ما معترفیم که حقیقت با واقعیت همخوانی دارد. ما باور داریم همان روح القدس که کلام را به رسولان و انبیا الهام نمود، در ما نیز ساکن است تا ما که در تصویر خدا آفریده شده‌ایم، بتوانیم کتاب مقدس را که از جانب خدا مکشوف گشته، بپذیریم و آن را درک نماییم؛ و به این مهم پی ببریم که حقایق کتاب مقدس با واقعیت همخوانی دارند. کلام مکتوب در کتاب مقدس دقیقاً به این دلیل حقیقتند که گفتار و کلام خدا می‌باشند، و با واقعیت همخوانی دارند، حتی اگر شناخت و آگاهی ما از آن حقایق (و حتی توانایی ما در اثبات آن حقایق به دیگران) صرفاً کامل نباشد. آن «عصر روشنگری» با اعتقاد به اینکه می‌توان به حقیقت عینی دست یافت، از عقل و خرد انسان یک بت ساخت. حال آنکه انکار این احتمال که می‌توان به حقیقت عینی دست یافت، به این معنا نیست که نمی‌شود به حقیقتی رسید که با واقعیت عینی مطابقت داشته باشد. حتی اگر هرگز نتوانیم به طور عینی و ملموس به چنین حقیقتی دست یابیم.

۲. ما معترفیم که کتاب مقدس گویای حقیقت است. ما باور داریم که کل کتاب مقدس مجموعه‌ای از اصلیات است؛ یعنی سطر سطر آن گویای یک اصل می‌باشد. حال آنکه همه این اصلیات، حقیقت محض بوده، و معتبر و موثق می‌باشند. اما حقیقت کتاب مقدس صرفاً در یک سری اصلیات یا گزاره‌ها خلاصه نمی‌شود. کتاب مقدس منظور خود را با شعر و حکایت و تمثیل نیز بیان می‌کند. اگرچه این روایات و حکایات مستقیماً اصلهای الهیاتی و تعلیمی را بیان نمی‌کنند، اما اراده و اندیشه خدا را برای ما مکشوف می‌سازند تا به این شکل، ما را به شباهت خدا تبدیل سازند.

۳. ما معترفیم که حقیقت با حیات خدا همخوانی دارد. این حقیقت فقط به لحاظ الهیاتی همخوانی ندارد، بلکه از رابطه‌ای سخن می‌گوید که بر اساس عهد و پیمان شکل گرفته است. این‌گونه نیست که درباره مکاشفه کتاب مقدس فقط یک سری اطلاعات داشته باشیم، بلکه باید زندگی خود را با آن دانسته‌ها شکل دهیم (تثنیه ۲۹:۲۹). هدف کتاب مقدس این است که به ما حکمت بخشد؛ به این معنا که زندگی‌ای به ما عطا نماید که کاملاً تسلیم حقیقت خدا باشد. بنابراین، حقیقت یک هماهنگی و سازگاری میان کل زندگی ما و دل خدا و گفتار خدا و کارهای خدا است که به واسطه کلام و روح خدا ابراز می‌گردد. نادیده گرفتن این امر که کتاب مقدس حقیقتش را از طریق یک سری اصل و گزاره بیان می‌کند، ما را در حفظ انجیل و دفاع از آن، و توضیح و تفسیرش کاملاً ناتوان می‌سازد. حال آنکه اگر حقیقت را فقط به یک سری اصل و گزاره محدود کنیم، نمی‌توانیم آن‌طور که باید قدر دان این حقیقت باشیم که پسر مجسم خدا یگانه راه و راستی و حیات است. اگر فقط از این جنبه به حقیقت کتاب مقدس نگاه کنیم، قدرت داستان‌گویی انجیل، و حقیقت بودن و حیات داشتن، و نقش آن در برقراری ارتباط را نادیده می‌گیریم؛ چرا که حقیقت زنده است، و این زنده بودن به راستی که با ذات خدا همخوانی دارد.

۴. این دیدگاه درباره حقیقت، چگونه ما را شکل می‌دهد؟

الف. ما در رابطه با نظریه همخوانی حقیقت با واقعیت، یک همخوانی و مطابقت معتدل را باور داریم. البته نسبت به دیدگاه مسیحیان انجیلی قدیمی، این دیدگاه معتدل با تعصب کمتری به حقیقت نگاه می‌کند. ما این دیدگاه را رد می‌کنیم که معتقد است حقیقت صرفاً زبان شیوا و رسا و بی‌تناقض درونی است که متعلق به یک باور یا جماعت خاص می‌باشد. با این حال، ما با امید به اینکه آنچه می‌گوییم در نهایت فروتنی باشد، به این اصل معتقد می‌باشیم: «فقط کتاب مقدس».

ب. اگرچه حقیقت از طریق یک سری اصل و گزاره بیان می‌شود، اما مقوله‌ای نیست که صرفاً باید آن

را باور داشته باشیم، بلکه باید آن را در عبادت و پرستش پذیرا شویم، و آن را با درایت و حکمت در عمل به کار بریم. این توازن، به درک ما از شاگردسازی و موعظه کلام خدا کمک می‌کند. ما می‌خواهیم شور و اشتیاقی را برای آموزه‌ها و تعالیم صحیح به وجود آوریم. اما این را هم می‌دانیم که تبادل اطلاعات صرف، کلید رشد روحانی نیست. یک مسیحی تنها زمانی رشد می‌کند که کل زندگی‌اش با آنچه کلام خدا از او می‌طلبد، در جمع مسیحیان شکل گیرد؛ به این معنی که دعا کند، مشارکت نماید، در آیین تعمید در آب و عشای ربّانی شرکت نماید، و در جمع ایمانداران به موعظه کلام خدا گوش سپارد.

ج. هرچند هم شناخت و معرفت ما از حقیقت خدا دقیق و بی‌عیب باشد، اما شناخت و معرفتی نسبی است. با این حال، یقین داریم که آنچه کلام خدا به ما می‌گوید، حقیقت است (لوقا ۱:۴). به قدرت روح القدس است که ما انجیل را با یقین کامل، و اعتقاد راسخ می‌پذیریم (اول تسالونیکیان ۵:۱).

دو) چگونه باید کتاب مقدس را مطالعه نماییم؟ (مبحث تفسیر کلام خدا)

۱. کل کتاب مقدس را به موازات بخوانید. به این معنا که هم خط اصلی و طرح کلی کتاب مقدس که همانا نقشه خدا برای رستگاری بشر است را در نظر داشته باشید (لوقا ۲۴:۴۴)، و هم موضوعات و درونمایه‌های کتاب مقدس را (عهد، پادشاهی، معبد). در هر عرصه از تاریخ، و در هر جزء از کتاب مقدس که الهام الهی است، این خط اصلی و درونمایه‌ها به چشم می‌آیند، و نقطه عطفشان عیسی مسیح است. با این چشم‌انداز، انجیل شامل آفرینش انسان، سقوط انسان، رستگاری انسان، و بازسازی خلقت خواهد بود. در این چشم‌انداز، هدف از نجات و رستگاری انسان؛ یعنی خلقت جهانی نوین مشهود است. همان‌گونه که در اعتقادنامه عنوان شد (۱) [خدا] در تدبیر و مشیت الهی‌اش اهداف نیکو و ابدی‌اش را به انجام می‌رساند تا قومی را برای خودش بازخرد کند، و خلقت سقوط کرده‌اش را بازسازی نماید برای ستایش فیض پر جلالش.

۲. کل کتاب مقدس را متقاطع بخوانید. به این معنا که اعلانات، احکام و فرامین، وعده‌ها، و حقایقی که اعلام می‌کند را دسته‌بندی کنید (الهیات، مسیح‌شناسی، زمانهای آخر) تا به درکی دقیق و جامع از تعالیم کلام خدا برسید، و جان کلام کتاب مقدس را دریابید (لوقا ۲۴:۴۶-۴۷). در این چشم‌انداز، انجیل شامل خدا، گناه، مسیح، و ایمان می‌گردد. در این چشم‌انداز، عاملان رستگاری انسان؛ یعنی کاری که مسیح به جانشینی ما انجام داد، و مسوولیت ما در ایمان آوردن به او مشهود است. همان‌گونه که در اعتقادنامه عنوان شد (۷) عیسی مسیح نماینده و جانشین ما گشت تا ما در او عدالت خدا گردیم.

۳. این شیوه مطالعه کتاب مقدس، چگونه ما را شکل می دهد؟

الف. امروزه بسیاری (البته نه همه) که کتاب مقدس را به موازات مطالعه می کنند، بیشتر بر جنبه های جمعی گناه و نجات تمرکز دارند. از این دیدگاه، صلیب در اصل به یک الگوی ایثار و فداکاری، و غلبه بر قدرتهای دنیوی تبدیل می شود تا اینکه عاملی باشد برای فرو نشاندن غضب خدا، و جانشین شدن برای گناهان ما. جالب است که این روش می تواند تا حدود زیادی به قانون مدار بودن سوق یابد. این دیدگاه به جای اینکه انسانها را فرا خواند که به واسطه پیغام فیض، شخصاً توبه کنند و ایمان آورند، از آنها می خواهد با عضویت در گروهها و سازمانهای مسیحی، در طرح و برنامه هایی که برای پیشبرد ملکوت خدا در جریان است، شرکت کنند، و در آنچه خدا برای آزادی جهان انجام می دهد، سهم شوند. این دیدگاه تأکید بر این دارد که مسیحیت یک طریق زندگی است؛ و بدین ترتیب، از اهمیت جایگاهی که در مسیح در حضور خدا، و از طریق خون مسیح و ایمان شخصی به دست می آوریم، کاسته می شود. در این عدم توازن، آنچه کمتر مورد توجه قرار می گیرد، بشارت دادن است و دفاعیات مسیحی و موعظه تفسیری، و همچنین نشانه های تولد تازه، و اهمیت آن.

ب. از سوی دیگر، مسیحیان انجیلی قدیمی (البته نه همه آنها) تمایل داشتند کتاب مقدس را به صورت متقاطع مطالعه نمایند. در نتیجه، بیشتر به سمت فردگرایی گرایش یافته بودند، و تقریباً فقط برای ایمان شخصی، و ایمن بودن راه بهشت تمرکز داشتند. اگرچه موعظه های ایشان تفسیری بود، گاهی به سمت اخلاق مداری کشیده می شد، و کمتر بر این حقیقت تأکید می کردند که مسیح و کاری که او به انجام رساند، نقطه عطف کل درونمایه های کتاب مقدس می باشد. در این عدم توازن، براهیمت رحم و انصاف به تهیدستان و ستمدیدگان یا اصلاً تأکید نمی گشت یا اشاره ای جزئی می شد. همچنین در این دیدگاه، برای هنر و عرضه محصولات فرهنگی، یا داد و ستد و فعالیت هایی از این قبیل که خدا را جلال می دهند، جایگاهی وجود نداشت.

ج. ما باور نداریم که این دو شیوه مطالعه کتاب مقدس با هم تناقض دارند. اگرچه امروزه بسیاری سعی می کنند این دو شیوه را به اصطلاح به جان هم بیندازند، ولی ما باور داریم که هر دو شیوه برای درک معنا و مفهوم انجیل، لازم و ضروری می باشند. انجیل اعلام این حقیقت است که با مرگ و رستاخیز عیسی مسیح، خدا به خاطر فیض خود با انسانها آشتی نموده، و با فیض خود کل جهان را برای جلال خویش بازسازی خواهد نمود.

سه) چگونه باید با فرهنگ پیرامونمان ارتباط برقرار کنیم؟ (مبحث سازگاری با فرهنگ)

۱. ناهمسو با فرهنگ پیش رویم. ما می‌خواهیم کلیسایی باشیم که نه تنها مسیحیان را در زندگی روحانی‌شان پشتیبانی کند، بلکه به آنها یاری رساند تا در جامعه‌ای که خدا با کلام و روحش خلق نموده، زندگی سالمی داشته باشند.

۲. برای سعادت و رفاه همگانی دست به کار شویم. فقط کافی نیست که کلیسا با ارزشهای غالب بر فرهنگ ناهمسو باشد. ما باید برای سعادت و رفاه همگانی، ناهمسو با فرهنگ پیش رویم. ما می‌خواهیم از پایه و اساس از فرهنگ پیرامونمان متمایز باشیم، و در همان حال که آن تمایز را حفظ می‌کنیم، باید ایثارگرانه همسایه‌مان و حتی دشمنان را خدمت کنیم. باید اکنون برای رونق و شکوفایی انسانها در این دنیا تلاش کنیم، و از تکاپو برای سعادت ابدی‌شان نیز باز نایستیم. بنابراین، جلسات پرستش دسته‌جمعی ما در کلیسا تنها وسیله ارتباط ما با جهان خارج از کلیسا نیست. ما می‌خواهیم وقتی برای آرامش و امنیت و رفاه همسایه‌مان تلاش می‌کنیم، با آنها معاشرت داشته باشیم، و چه با کلامان و چه با رفتارمان به آنها محبت کنیم. اگر چنین باشیم، نور و نمک جهان خواهیم بود (به بقا و بهبود این زندگی کمک می‌کنیم، و با شیوه زندگی‌مان جلال خدا را به دنیا نشان می‌دهیم؛ متی ۵: ۱۳-۱۶). همان‌طور که یهودیان در تبعید باید خواستار صلح و سلامتی بابل می‌بودند، و برای رفاه و آسایش ایشان تلاش می‌کردند (ارمیا ۲۹: ۷)، مسیحیان نیز قوم خدا در تبعید می‌باشند (اول پطرس ۱: ۱؛ یعقوب ۱: ۱). شهروندان شهر خدا باید تا جایی که می‌توانند بهترین شهروندان شهر دنیوی‌شان باشند (ارمیا ۲۹: ۴-۷). ما نسبت به تأثیرات فرهنگی نه خیلی خوش بین هستیم، نه خیلی بدبین؛ چرا که می‌دانیم وقتی پیرو آن کسی هستیم که جانش را برای دشمنانش فدا کرد، ما نیز هرچند هم که در جامعه تأثیرگذار باشیم، اما از آزار و جفا در امان نیستیم (اول پطرس ۲: ۱۲).

۳. این ارتباط با فرهنگ، چگونه ما را شکل می‌دهد؟

الف. ما باور داریم که مسیحیت به هر حال تا حدودی تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرد. چیزی به نام مسیحیت مطلق و جهان‌شمول در تاریخ وجود نداشته است. اما ما هرگز نمی‌خواهیم آن قدر تحت تأثیر فرهنگمان قرار بگیریم که حقایق انجیل را به خطر اندازیم. پس چگونه می‌توانیم تعادل‌مان را حفظ کنیم؟

ب. پاسخ این است که ما نمی‌توانیم انجیل را به شکل آزمایشی، و در قالب یک تئوری با فرهنگ تطبیق دهیم. اگر کلیسا بخواهد برای خیریت کنونی و ابدی مردم ناهمسو با فرهنگ پیش رود، نه به شریعت‌گرایی که فرهنگ را کاملاً پس می‌زند تن می‌دهد؛ و نه با غرق شدن در فرهنگ، با

آن سازش می‌کند. اگر هدف خدمت کردن باشد نه به قدرت رسیدن، می‌توانیم تأثیر بسزایی بر فرهنگ بگذاریم. اما اگر هدف به قدرت رسیدن، و کنترل جامعه باشد، در عین حال که می‌خواهیم بت ثروت، مقام، و قدرت را بشکنیم، در همه آنها غرق می‌شویم.

ج. انجیل خودش کلید تطبیق درست و مناسب با فرهنگ را در دست دارد. اگر در سازگاری با فرهنگ زیاده‌روی کنیم، یعنی دل‌مان می‌خواهد فرهنگ ما را تأیید کند. این عدم اطمینان ما را به انجیل نشان می‌دهد. اگر به هیچ عنوان با فرهنگ سازگار نباشیم، یعنی در این دام گرفتار شده‌ایم که فقط فرهنگ خودمان را قبول داریم. این عدم فروتنی بر مبنای کتاب مقدس، و عدم محبت به همسایه‌مان را نشان می‌دهد.

چهار) انجیل به چه شکلی منحصر به فرد است؟

انجیل به شکلی بی‌نظیر، مسیحیان را از فروتنی و امید و ملایمت و شهامت لبریز می‌کند. انجیل کتاب مقدسی با سایر مذاهب، و همچنین با بی‌دین بودن تفاوتی چشمگیر دارد. مذاهب بزرگ اصل بنا شده‌اند: «من اطاعت می‌کنم، پس مورد قبول هستم.» اما قاعده انجیل این است: «من به خاطر مسیح پذیرفته شده‌ام، پس اطاعت می‌کنم.» بنابراین، انجیل با مذهب و دین‌ستیزان تفاوت دارد. شما می‌توانید با زیر پا گذاشتن شریعت خدا به اصطلاح خداوند و منجی خودتان باشید. همچنین می‌توانید به انگیزه رستگار شدن، شریعت را نگاه دارید، و باز هم خداوند و منجی خودتان باشید.

دین‌ستیزی و ضد مذهب بودن باعث می‌شوند زیادی به خودمان دلگرمی بدهیم، و خودمان را نسنجیده بزرگ بینداریم. مذهب و اخلاق‌مداری، انسان را زیر بار گناه و تقصیر خرد می‌کنند، چرا که معیارهای اخلاقی را به انسان نشان می‌دهند که رعایتشان غیرممکن است. اما انجیل ما را فروتن می‌کند، و در عین حال به ما نشان می‌دهد که در مسیح هم عادل و بی‌گناه هستیم، و هم هنوز گناهکار. ما هم زمان هم آن قدر گناهکار و معیوب هستیم که هرگز تصورش را هم نمی‌کردیم، و هم آن قدر مقبول هستیم و آن قدر به ما محبت شده که هرگز حتی فکرش هم به ذهنمان خطور نمی‌کرد تا این اندازه مقبول باشیم.

ضد مذهب بودن، انسانها را خودخواه و فردگرا می‌سازد. مذهب و اخلاق‌مداری به طور کلی باعث می‌شوند که انسانها به یکدیگر فخر بفروشند، و به لحاظ اعتقاداتشان خود را از دیگران برتر بدانند (زیرا این دسته از افراد فکرمی‌کنند به خاطر اعمال مذهبی‌شان به رستگاری رسیده‌اند). حال آنکه انجیل فیض بر این مهم تمرکز دارد که یک انسان برای ما جان داد، در حالی که ما هنوز دشمنش بودیم. انجیل فیض، فخرفروشی مذهبی و خودخواهی را از بین می‌برد، و کاری می‌کند که ایمانداران به انجیل، خدمتگذار دیگران باشند: هم برای رفاه و آسایش انسانها و به ویژه تهیدستان بکوشند، هم برای رستگاری ابدی ایشان لحظه‌ای آرام و قرار نداشته باشند. انجیل فیض ما را بر این می‌دارد که دیگران را بدون توجه به لیاقت و شایستگی‌شان خدمت کنیم، درست همان‌گونه که مسیح ما را خدمت نمود (مرقس ۱۰:۴۵).

مذهب و بی مذهبی، کُنشها و واکنشهای انسانها را تغییر می دهد: انسانها یا به خاطر عواقب اعمالشان ترسان و هراسان هستند؛ یا به خاطر تمایل به خودبزرگ پنداری، دچار غرور و تکبر می شوند. انجیل انسانها را به سوی قدوسیت و خدمت نمودن سوق می دهد. انسانها به خاطر این فیض وجد و شادی می نمایند، و به خاطر عشقی که به جلال خدا دارند، و به سبب خدا بودن خدا در مسیر قدوسیت و خدمت گام برمی دارند.

پنج) خدمت انجیل محور چیست؟
ویژگیهای این خدمت از این قرارند:

۱. پرستش دسته جمعی پر قدرت

انجیل رابطه ما را با خدا تغییر می دهد. ما را از خصومت با خدا و اطاعت کورکورانه به یک رابطه صمیمی و مسرت بخش می رساند. از این رو، خدمت انجیل محور و پر جنب و جوش در اصل در پرستش و دعای پرحرارت خلاصه می شود. در پرستش دسته جمعی، قوم خدا در رابطه با ارزش و زیبایی خدا به ادراک و بینش خاصی دست می یابند که زندگی شان را دگرگون می سازد. در نتیجه، ارزش خدا را به شکلی که شایسته و برازنده او است، ابراز می دارند. اساس و بنیاد پرستش دسته جمعی، خدمت کلام خدا می باشد. موعظه کلام خدا باید تفسیری باشد (به این معنی که آیات کلام خدا توضیح داده شوند و تفسیر گردند). همچنین موعظه کلام خدا باید مسیح محور باشد (تمام موضوعات و درونمایه های کتاب مقدس به گونه ای شرح داده شوند که به مسیح و کاری که برای نجات و رستگاری انسانها انجام داد، ختم شوند). البته هدف نهایی فقط این نیست که کلام خدا تعلیم داده شود تا به دانش و معلومات ایمانداران بیفزاید. هدف نهایی این است که شنوندگان کلام را برای پرستش جمعی و فردی به شور آورد، و ایشان را قوت بخشد تا اراده خدا را به جا آورند.

۲. بشارت ثمربخش

انجیل (بر خلاف اخلاق گرایان مذهبی) انسانهایی را در دامان خود پرورش می دهد که از مخالفانشان عار ندارند. در نتیجه، کلیسایی که واقعاً انجیل محور است، باید مملو از کسانی باشد که با خوشرویی، امیدها و آرمانهای انسانها را به مسیح و کار نجاتبخش او پیوند می دهند. رویای ما این است که کلیسا را مملو از ایمانداران با زمینه های مختلف ببینیم: فقیر و غنی، باسواد و کم سواد، مرد و زن، پیرو جوان، مجرد و متأهل، و از هر قوم و نژاد. ما امیدوارم بتوانیم هم انسانهای ضد مذهب، هم پُست مدرن، هم مذهبی، و هم سنت گرا را به کلیسا جذب کنیم. کلیسای انجیل محور به سبب گیرایی و جذابیتش، و به خاطر فروتنی اعضایش باید شاهد ورود افرادی باشد که می خواهند مسیحیت را کند و کاو کرده و آن را درک نمایند. کلیسا باید به صدها روش به این افراد خوش آمد بگوید. کلیسا نباید صرفاً به ایشان حس

خوبی دهد، بلکه همه تلاشش باید این باشد که پیغام انجیل را برای آنها قابل درک نماید. علاوه بر اینها، کلیساهای انجیل محور تمایل زیادی برای پایه‌گذاری کلیساهای تازه دارند، چرا که پایه‌گذاری کلیسا یکی از ثمربخش‌ترین وسیله‌های بشارت است.

۳. جامعه ناهمسو با فرهنگ

چون انجیل ترس و غرور را از بین می‌برد، انسانهایی که نمی‌توانستند با یکدیگر توافق و تفاهم داشته باشند، باید در کلیسا به تفاهم برسند و به اصطلاح با هم کنار بیایند. چون انجیل توجه ما را به کسی جلب می‌کند که برای دشمنانش جان داد، در نتیجه رابطه‌هایی ایجاد می‌کند که در آنها از خودخواهی و خودپسندی خبری نیست، بلکه خدمت کردن و خادم بودن حرف اول را می‌زند. چون انجیل ما را به پاکی و قدوسیت فرا می‌خواند، زندگی قوم خدا هم با احساس مسوولیت همراه است، و هم نظم و انضباط؛ و اینها همه در محبت ریشه دارد. بنابراین، انجیل جماعتی از انسانهایی را می‌پروراند که از اساس و بنیان با هر جماعت دیگری تفاوت دارند. جامعه غیر مذهبی از مسایل جنسی یک بت ساخته است. در نتیجه، کلیسا باید مراقب باشد که در رابطه با مسایل جنسی از این بت پرستی بپرهیزد، و از سوی دیگر، از هراسی که در مورد مسایل جنسی گریبانگیر جوامع سنتی است، دوری نماید. کلیسا اجتماعی است که آن قدر در عمل، اعضایش را محبت می‌کند و به فکر آنها است که عفت و پاکدامنی در آن قابل درک است. کلیسا به اعضایش می‌آموزد که در مطابقت از معیارهای انجیل از بدنهای خود مراقبت کنند. از رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج (یعنی رابطه زناشویی میان یک مرد و یک زن) پرهیز کنند، پاکدامنی خویشان را حفظ نمایند، و از این خویشنداری مسرور باشند. کلیسا در رابطه با کانون خانواده باید بر نیکو و پسندیده بودن ازدواج میان یک مرد و یک زن تأکید نماید. کلیسا باید زن و شوهر را فرا خواند تا با تأمل در محبت خدا که محبتی مبنی بر عهد و پیمان است، در طول زندگی مشترکشان به هم وفادار بمانند، و طریقه‌های خدا را به فرزندانشان تعلیم دهند؛ و به این شکل، خدا را خدمت نمایند. کلیسا بر پسندیده بودن خدمت مجردان نیز تأکید می‌ورزد تا چه برای مدتی مشخص، چه برای همه عمرشان خادم مسیح باشند. کلیسا باید با شفقت و دلسوزی مثل یک خانواده در کنار همه کسانی بایستد که با مشکلات جنسی دست و پنجه نرم می‌کنند. اعضای کلیسا در رابطه با مسایل مالی باید به طور جدی در رفع نیازهای یکدیگر بکوشند تا هیچ‌کس محتاج نباشد (اعمال رسولان ۴: ۳۴). این روحیه باعث می‌شود اعضای کلیسا کاملاً در صرف وقت و پول خود سخاوتمند باشند، و در ایجاد رابطه بکوشند. چنین روحیه‌ای راهگشای عدالت اجتماعی است: به نیازهای مستمندان، ستمدیدگان، مهاجران، و کسانی که به لحاظ اقتصادی و جسمانی ضعیف هستند، رسیدگی می‌شود. در رابطه با قدرت می‌توان این تعهد را به وضوح شاهد بود: میان نژادها و طبقات مختلف اجتماعی، و نسلهای مختلفی که خارج از بدن مسیح با هم غریبه بودند، رابطه برقرار می‌گردد. گواه عملی این شراکت و ارتباط

این است که شاهد هستیم کلیساهای محلی بیش از گذشته، مردم را از هر نژاد و فرهنگ پذیرا شده و به آنها خوش آمد می‌گویند. هر کلیسایی باید بر این مهم تأمل نماید که از مرزهای جغرافیایی گذر کند، و در پذیرش اعضایش، و رهبری کلیسا به تنوع بیندیشد.

۴. هم‌آمیزی ایمان و عمل

خبر خوش کتاب مقدس این است که نه تنها انسانها می‌توانند آموخته شوند، بلکه کل خلقت نیز بازسازی خواهد شد. خدا انسان را در باغ عدن نهاد تا برای جلال خدا، و برای رونق طبیعت و رفاه بشر به کشت و کار مشغول باشد. روح خدا نه تنها انسانها را تبدیل می‌سازد (یوحنا ۱۶: ۸)، بلکه سیمای زمین را می‌پرورد و به آن جانی تازه می‌بخشد (پیدایش ۱: ۲؛ مزمور ۱۰۴: ۳۰). بنابراین، مسیحیان نه تنها از طریق خدمت کلام خدا او را جلال می‌دهند، بلکه با مشغول بودن به کشاورزی، هنر، داد و ستد، همکاری در امور مملکت، تحقیق و پژوهش و سایر حرفه‌ها خدا را جلال می‌دهند، و برای آسایش و رفاه دیگران می‌کوشند. بسیاری از مسیحیان ایمان و اعتقادشان را از حرفه‌شان جدا کرده‌اند. از نظر این دسته افراد، انجیل وسیله‌ای است که انسانها را به آرامش می‌رساند، اما شالوده و زیربنای یک جهان بینی نیست؛ یعنی تفسیر جامع و کامل از واقعیت که بر همه کارهای ما اثر بگذارد. اما رویای ما برای کلیسا این است که اعضایش را چنان تجهیز نماید که در هر کاری که به آن مشغولند (نجاری، لوله‌کشی، وارد کردن اطلاعات و داده‌های رایانه‌ای، پرستاری، هنر، تجارت، کشورداری، خبرنگاری، تهیه برنامه‌های تفریحی و نمایشی، و تحقیق و پژوهش) به این فکر کنند که چگونه می‌توانند ردپایی از انجیل به جا بگذارند. چنین کلیسایی نه تنها حامی شراکت مسیحیان در فرهنگ است، بلکه به آنها کمک می‌کند تا در حرفه و پیشه خود بدرخشند، و خود را مسوول بدانند. ایجاد محیط کاری که در آن به انسانها احترام گذاشته می‌شود، و از نظر خلاقیت و بازده کاری، عالی و برجسته است، و بر اساس درک ما از انجیل ایجاد شده، جزئی از کاری است که به قوت روح القدس برای شفای خلقت به جا می‌آوریم. مسیحیان با در هم آمیختن شادی و امید و حقیقت در هنرنمایی می‌توانند به شفای این خلقت کمک کنند. ما چنین می‌کنیم، چون انجیل خدا ما را به چنین کارهایی وامی‌دارد، با وجود اینکه می‌دانیم همه چیز در نهایت، آن روز بازسازی می‌گردد که خداوندمان عیسی مسیح با بدن جسمانی بازگردد.

۵. به‌جای آوردن عدالت و رحمت

خدا خالق جسم و روح است. رستاخیز عیسی نشان می‌دهد که او قرار است هم جهان روحانی را نجات بخشد هم جهان مادی را. از این رو، خدا علاوه بر اینکه به فکر رستگاری جانهای ما است، دغدغه از میان برداشتن فقر و گرسنگی و ناعدالتی را نیز در سر دارد. انجیل چشمان ما را به این واقعیت می‌گشاید که کل ثروت و دارایی ما (حتی ثروت و دارایی که از دسترنج ما به دست می‌آید) در نهایت نعمتی از جانب

خدا است، هدیه‌ای است که شایستگی‌اش را نداشته‌ایم. بنابراین، کسی که نمی‌تواند سخاوتمند و گشاده‌دست باشد و داشته‌هایش را با دیگران تقسیم کند، صرفاً سنگدل نیست، بلکه بی‌انصاف است. مسیح با از دست دادن، باعث رستگاری ما شد. او ضعیف و خادم شد تا به قدرت برسد. او با بخشیدن همه چیز دولت‌مند گشت. کسانی که از نجات مسیح بهره‌مند می‌گردند، قوی و کاردان نیستند؛ بلکه معترفند که ضعیف و گمشده هستند. ما نمی‌توانیم به مسکینان و ستمدیدگان بنگریم، و با بی‌رحمی به آنها بگوییم که خودشان را از این تنگنا نجات دهند. عیسی با ما چنین نکرد. انجیل می‌خواهد به فقیران و مستمندان رحم و شفقت داشته باشیم، و رسیدگی به آنها را در اولویت قرار دهیم. کلیساهای مسیحی در کنار اینکه انسانها را به توبه و تولد تازه می‌خوانند، باید در هر کوی و برزن و محله برای ایجاد انصاف و آرامش بکوشند و خدمت کنند. ما باید برای سعادت ابدی، و رفاه و آسایش کنونی همسایگانمان از پانایستیم، و به ایشان نشان دهیم چه با ما هم عقیده باشند چه نباشند، آنها را دوست داریم و حاضریم برایشان فداکاری نماییم. بی‌تفاوت بودن به تهیدستان و محرومان به این معنی است که به درستی متوجه نشده‌ایم که فقط محض فیض نجات یافته‌ایم.

جمع‌بندی

خدمت روحانی که آن را به طور خلاصه شرح دادیم، خدمتی نسبتاً نایاب است. کلیساهای بسیاری وجود دارند که حق جویان را جذب می‌نمایند، و به مردم در شناخت مسیح یاری می‌رسانند. کلیساهای بسیاری وجود دارند که با انجام فعالیت‌های سیاسی، با فرهنگ دست دوستی می‌دهند. جنبش کاریزماتیک با تأکید بر برگزاری جلسه‌های پرشور و هیجان و باشکوه و دسته‌جمعی پرستش به سرعت در حالت گسترش است. کلیساهای بسیاری وجود دارند که همه دغدغه‌شان این است که کلام خدا را به دقت و موشکافی تعلیم دهند، و به تعالیم و آموزه‌های صحیح پایبند باشند. این کلیساها همه سعی‌شان این است که خود را از دنیا جدا نگاه دارند. کلیساهای زیادی وجود دارند که کاملاً خود را به تهیدستان و مطرودان، و کسانی که کمتر مورد توجه هستند، متعهد نموده‌اند.

با این حال، کلیساهای چندان زیادی وجود ندارند که به طور کامل و یکپارچه نمودار تعادل و توازن باشند که در مورد خدمت انجیل به آنها اشاره کردیم. اگرچه به فیض خدا نقاط درخشان و دلگرم‌کننده بسیاری در کلیسا وجود دارد، اما این خدمت انجیل محور جنبشی چندان گسترده نیست. به اعتقاد ما چنین تعادل و توازن کلیساهای پرجاذبه‌ای را به ثمر می‌رساند که با تکیه به الهیات صحیح به شکل اصولی موعظه می‌کنند، در بشارت انجیل پویا هستند، در دفاع از حقایق انجیل حرفی برای گفتن دارند، کلیسایی رو به رشد بوده، و در پایه‌گذاری کلیساهای تازه پیش قدم می‌باشند. چنین کلیساهایی بر توبه، تولد تازه، و پاکی و قدوسیت در زندگی شخصی تأکید می‌ورزند؛ و در عین حال، در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند، و با مشغول شدن در کارهای هنری، تجارت و داد و ستد، تحقیق و پژوهش، و امور مملکت، با فرهنگ خود نیز همگام می‌شوند. هر عضوی از اعضای جامعه مسیحیان خوانده شده تا ثروت و دارایی‌هایش را با دیگران تقسیم کند، و

به تهیدستان و مطرودان جامعه یاری رساند. اگر این اولویتها مد نظر باشد، هم راستا با هم پیش می‌روند، و باعث می‌شوند هر یک از اعضای کلیسا متقابلاً یکدیگر را تقویت نمایند.

چه عاملی موجب گسترش کلیساهای انجیل محور است؟ پاسخ نهایی این است که خدا برای جلال خویش باید بیداری روحانی ایجاد کند. این بیداری روحانی در نتیجه دعای پرحرارت و نافذ و چشمگیر قومش حاصل می‌گردد. با این حال، ما باور داریم که باید چند قدم دیگر برداریم تا به این مرحله برسیم. اگر بتوانیم بر پایه حقیقت (اینکه کتاب مقدس را به بهترین شکل مطالعه نماییم) بر پایه ارتباطمان با فرهنگ، بر پایه محتوای انجیل، و بر پایه خدمت انجیل محور با هم متحد شویم، جای بسی امیدواری خواهد بود. ما باور داریم که چنین تعهدی ما را از نوبه سوی کتاب مقدس جذب می‌کند، به سوی مسیح مکشوف در کتاب مقدس، و به سوی انجیل مسیح. در نتیجه، ما کلیساها به فیض خدا این توانایی را به دست می‌آوریم تا «در راستی انجیل» رفتار نماییم (غلاطیان ۲: ۱۴). ما از گناهان و خطایایمان خجل هستیم و بی‌نهایت شکرگزار برای آموزش گناهانمان، و بسیار مشتاق تا جلال خدا، و تبدیل شدن به شباهت پسرش را از نو شاهد باشیم.

سازمان تی جی سی از سایر سازمانهای خدمات مسیحی دعوت می‌کند تا از این اساسنامه بهره ببرند. خواهشمندیم این اساسنامه را با ذکر منبع استفاده نمایید (thegospelcoalition.org). این اساسنامه به همت شبانانی که عضو شورای این سازمان می‌باشند، تنظیم و بازنویسی شده است. به هنگام ذکر منبع، درج این جمله ضروری است: «این اساسنامه در تاریخ ۲۲ مه سال ۲۰۰۷ به تصویب اعضای شورای تی جی سی رسیده، و در تاریخ ۱۲ آوریل سال ۲۰۱۱ بازنویسی گشته است. محتویات این اساسنامه با کسب اجازه از سازمان تی جی سی (thegospelcoalition.org) واقع در شهر دیرفیلد در ایالت ایلی نوری به کدپستی ۶۰۰۱۵ مورد استفاده قرار گرفته است.» اگر برای خدمت در کلیسای محلی تان، و یا هر خدمت دیگری قصد دارید بخشی از این اساسنامه را تغییر دهید، بازنویسی کنید، یا مطلبی به آن بیفزایید، باید ضمن اشاره به آن تغییرات، از منبع مورد استفاده خود یعنی سازمان تی جی سی نیز نام ببرید.